



❏ رئیس باند فتنه‌گران در اظهارات جدید خود تحت لوای صلح‌دوستی، از اقدامات دفاعی کشورمان در برابر جنایات آمریکا و اسرائیل انتقاد کرده و مردم خواهان انتقام از جنایتکاران را همسو با اسرائیل خوانده است.

ضربه به زیرساخت‌های انرژی شرکای آمریکا ضروری است

که هوشمندانه‌ترین واکنش در شرایط کنونی، «خروج از ابهام و اعلام صریح پاسخ متقارن» است. به این معنا که ایران باید از طریق کانال‌های رسمی و معتبر (سخنگوی وزارت خارجه، فرماندهان نظامی و یا بیانیه شورای عالی امنیت ملی)، به صورت شفاف اعلام کند که:

■ هرگونه ضربه به تأسیسات نفتی ایران، به منزله بازشدن پای تمامی زیرساخت‌های انرژی آمریکا و متحدانش در منطقه به عنوان هدف مشروع خواهد بود.

■ در صورت هرگونه تعرض، تأسیسات نفتی عربستان، امارات و قطر که نقش جایگزین برای تولید نفت آمریکا را دارند، هدف قرار خواهند گرفت.

■ باب‌المنذب بسته خواهد شد و تنگه هرمز به‌طور کامل به روی نفت‌کش‌های متحدان آمریکا بسته خواهد ماند.

■ هم‌زمان ایران باید در فکر کشته‌گیری گسترده از نظامیان آمریکایی در منطقه باشد.

۵. هم‌زمان، قطع تعامل با پیام‌های فریبنده

کارشناسان تأکید دارند که ایران باید صریحاً اعلام کند: «تا زمانی که تهدید نظامی لغو نشود و تحریم‌ها به‌صورت قابل‌راستی‌آزمایی برداشته نشوند، هیچ پیام غیررسمی پاسخ داده نخواهد شد.» این اقدام، ارزش پیام‌های پشت پرده را برای آمریکا به صفر می‌رساند و مانع از سوءاستفاده رسانه‌ای از آنها می‌شود.

این پیام‌های غیررسمی، بدون لغو تهدید نظامی و رفع تحریم‌های قابل‌راستی‌آزمایی، عملاً در دام بازی رسانه‌ای ترامپ افتادن است. آمریکا به دنبال آن است که با القای «فشار حداکثری مؤثر»، ایران را در موضع انفعال قرار دهد و سپس هزینه‌های جدیدی را تحمیل کند.

۳. برآورد اندیشکده‌ها: ضربه‌ای که توسعه غرب را ده‌ها متوقف می‌کند

پژوهشگران حوزه دفاعی، انرژی و توسعه در اندیشکده‌های مرتبط، برآورد کرده‌اند که اگر ایران به تأسیسات نفتی منطقه‌ای که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم از آمریکا حمایت می‌کنند، ضربه‌ای حیاتی و کلیدی وارد کند به‌گونه‌ای که صدور نفت از منطقه برای چندین سال متوقف شود، پیامدهای آن فراتر از یک بحران موقت خواهد بود.

بر اساس این برآوردها، چنین اقدامی می‌تواند روند توسعه در کشورهای غربی و به‌ویژه اروپایی را بسته به شدت عملیات ایران تا چند دهه متوقف کرده و حتی به عقب بازگرداند. وابستگی شدید این کشورها به نفت و فرآورده‌های منطقه خلیج فارس، به‌گونه‌ای است که هرگونه اختلال بلندمدت در عرضه، زنجیره تولید، حمل‌ونقل، صنایع پتروشیمی و حتی بخش کشاورزی و خدمات آنها را با شوکی جبران‌ناپذیر مواجه خواهد ساخت. این هشدار، نشان‌دهنده اهرم بی‌بدیلی است که در اختیار ایران قرار دارد.

۴. راهکار کارشناسان: «پاسخ صریح» جایگزین «واکنش پنهان»

تحلیلگران حوزه دفاعی و سیاست خارجی بر این باورند

■ برآورد اندیشکده‌های مرتبط با حوزه انرژی نشان می‌دهد، ضربه به تأسیسات نفتی منطقه، می‌تواند توسعه کشورهای غربی را تا چند دهه متوقف کند. که «پل‌های ایران را می‌زنیم و هفته بعد زیرساخت‌های نفتی را هدف قرار می‌دهیم» و «بلافاصله افزود: «مگر اینکه ایرانی‌ها پای میز مذاکره بیایند.» این الگوی تکراری در ماه‌های اخیر، نشان‌دهنده استراتژی هم‌زمان «تهدید علنی» و «ارسال پیام‌های فریبنده از پشت پرده» است که هدف آن، القای تصویر «تسلیم‌شدن ایران» به افکار عمومی جهان است. اما پرسش کلیدی این است: راهکار هوشمندانه برای مقابله با این شانتاژ رسانه‌ای و سیاسی چیست؟

۱. الگوی تکراری: تهدید در ملأعام، وعده در خفا

بررسی تحرکات رسانه‌ای و دیپلماتیک آمریکا در ماه‌های گذشته نشان می‌دهد که کاخ سفید هم‌زمان با مطرح کردن تهدیدهای نظامی، از طریق واسطه‌هایی نظیر عمان، قطر و پاکستان، پیام‌هایی مبنی بر «امتیازهای غیررسمی» به تهران ارسال می‌کند. این پیام‌ها که اغلب وعده‌های فریبنده و غیرقابل‌اعتماد هستند، پس از مدتی در رسانه‌های غربی به عنوان «نشانه تمایل ایران به مذاکره» تفسیر می‌شوند و روایت رسانه‌ای آمریکا را تقویت می‌کنند.

۲. چرا پاسخ به پیام‌های پشت پرده اشتباه است؟

کارشناسان راهبردی معتقدند که هرگونه واکنش به

الزام حمله به تأسیسات نفتی گاوهای شیرده آمریکا



❏ اکنون یک هفته است که کشور دوباره درگیر جنگ گسترده شده که اهداف و مدل عملیاتی آمریکا در آن نسبت به جنگ رمضان کاملاً متفاوت است.

به گزارش خط انرژی، در جنگ فعلی، آمریکا نه به دنبال «تغییر نظام» بلکه به دنبال «ناتوان کردن ایران در مدیریت تنگه هرمز» است و به همین خاطر، به همه زیرساخت‌های نظامی ایران در جنوب حمله می‌کند. در نتیجه اگر ایران در جنگ رمضان آمریکا را با بستن تنگه هرمز عقب‌رانند، حالا با جنگی متفاوت روبرو است که صرفاً بستن دوباره تنگه منجر به عقب‌نشینی آمریکا نخواهد شد.

اما باید چه کرد؟ واضحاً حمله به پایگاه‌های آمریکا، هیچ دردی از ترامپ دوا نمی‌کند، هرچقدر هم که سپاه و ارتش سنگین حمله کنند ظاهر کیفیت حملات و درد آنها چندان جدی نیست. حتی اگر جدی هم باشد، ترامپ دوباره یک آتش بس می‌دهد، خود را تجهیز می‌کند و برای جنگ جدید بازمی‌گردد. اتفاقاً در روند فعلی، تجهیزات نظامی ایران سریع‌تر از آمریکایی‌ها مستهلک و نابود می‌شود زیرا منابع محدودتر است.

سوال، چه چیزی برای ترامپ درد ایجاد می‌کند؟ پاسخ: قیمت بنزین. تا وقتی نمودار قیمت بنزین در آمریکا صعودی نشده و به نزدیک ۵ دلار بر گالن جهش نیابد (فعلاً ۳.۷ است)، آمریکا دست از حملات خود بر نخواهد داشت.

حالا سوال اینجاست، آیا اکنون بستن تنگه هرمز می‌تواند به بازار نفت و قیمت بنزین در آمریکا شوک ایجاد کند؟ فعلاً که خبری نیست.

اتفاقاً پارامتر زمان در این معادله مهم است. ما باید بتوانیم سریع قیمت جهانی نفت و قیمت بنزین در آمریکا را جهش دهیم.

ظاهراً در دوره آتش بس، نفت کافی از تنگه هرمز عبور کرده و با توجه به موجودی فعلی ذخایر نفت آمریکا، ترامپ فکر می‌کند که می‌تواند تا قبل از جهش جدی قیمت نفت، به اهداف خود یعنی پایان دادن بر تسلط ایران بر تنگه هرمز برسد.

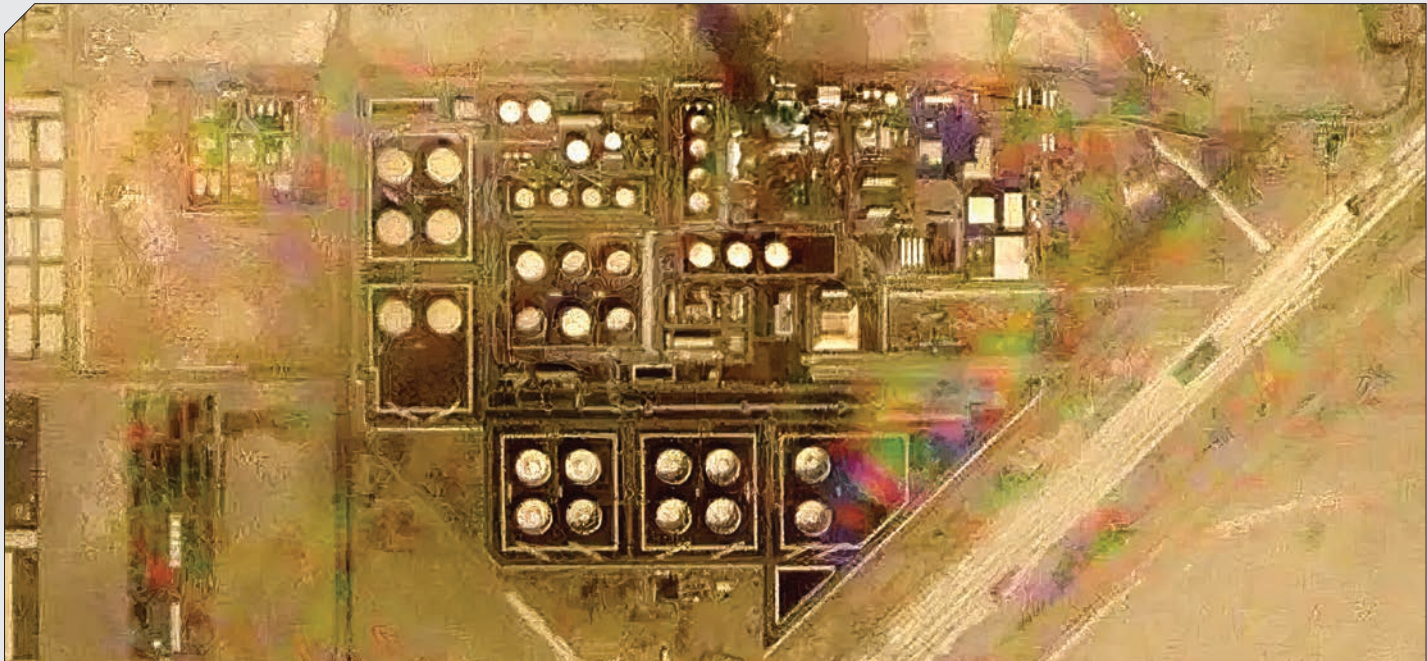
پس اگر سرعت استهلاک تجهیزات نظامی ما بیشتر از آمریکا است و بستن تنگه نیز به تنهایی نمی‌تواند قیمت نفت را در کوتاه‌مدت جهش دهد، در نتیجه ایران چاره‌ای جز حمله به زیرساخت نفتی منطقه ندارد تا شوک نفتی را سرعت ببخشد.

از قدیم گفتند سگی که پارس می‌کند، گاز نمی‌گیرد. ترامپ بارها ایران را تهدید کرده که به زیرساخت نفتی خاخر حمله می‌کند ولی نکرده است.

احتمالاً در صورتی که پارس می‌کند، گاز نمی‌گیرد. ترامپ بارها ایران را تهدید کرده که به زیرساخت نفتی خاخر حمله می‌کند ولی نکرده است.

احتمالاً ترامپ دارد در موضعی ایران را می‌ترساند که نقطه ضعف خودش است تا با ایجاد ترس و خطای محاسباتی در مسئولان اجازه ندهد جنگ به زیرساخت نفتی کشیده شود و معادلاتش به هم بریزد.

اگر می‌خواهیم ماشین جنگی ترامپ را متوقف کنیم، چاره‌ای جز تهدید واقعی و سپس زدن زیرساخت نفتی کشورهایی که به آمریکا پایگاه نظامی داده‌اند و نقش گاوهای شیرده او را دارند نداریم.





صدای اسرائیل

رئیس باند فتنه گران در اظهارات جدید خود تحت لوای صلح دوستی، از اقدامات دفاعی کشورمان در برابر جنایات آمریکا و اسرائیل انتقاد کرده است.

محمد خاتمی که رئیس باند فتنه گران در سال ۱۳۸۸ و خیانت های پس از آن بود، با چشم پوشی عمادانه از نقض تفاهم آتش بس از سوی آمریکا، ملت مبعوث ایران که خواستار انتقام و پاسخ به تهاجم های آمریکا هستند را «طرفداران جنگ» نامیده و آنها را همراستا با رژیم صهیونیستی خوانده است.

این اظهارات فرافکنانه فردی که رهبر شهید انقلاب، او را باغی بر نظام اسلامی خوانده بود، در حالی است که اکثر قریب به اتفاق ملت ایران در بیش از ۱۳۵ روزی که از شروع جنگ تحمیلی گذشته، با حضور مستمر خود در میادین شهرها خواستار انتقام از آمریکا و اسرائیل هستند. مردم ایران نشان دادند جنگ افروز نیستند اما برای مقابله با تهدید خارجی، آماده جنگ هستند.

اراجیف محمد خاتمی را باید در راستای تقویت مواضع جریان غربزده و حامیان آمریکا و اسرائیل در کشورمان دانست که تلاش می کنند با انحراف اذهان عمومی و دستگاه محاسباتی مسئولان، اینگونه القا کنند که اگر ایران در مقابل خواسته های آمریکا برای تسلیم و واگذاری مدیریت تنگه هرمز، مقاومت کند نابود خواهد شد.

درواقع آنچه که ترامپ و نتانیاهو در ۴۰ روز جنگ نظامی و پس از آن در میز مذاکره نتوانستند به دست آورند، اکنون باند فتنه گران داخل ایران تلاش می کند خواسته دشمن را تسهیل کند. بنابراین شکی نیست که اکنون محمد خاتمی، صدای اسرائیل شده است و خواسته های ترامپ و نتانیاهو را در رنگ و لعاب بیان می کند.



پیشنهاد نرخ پرواز اربعین روی میز سازمان هواپیمایی

در حالی پیشنهاد نرخ پروازهای اربعین ۱۴۰۵ روی میز سازمان هواپیمایی است که دلیل تأخیر در اعلام قیمت مشخص نیست.

در حالی که حدود ۱۰ روز تا آغاز سفرهای زیارتی اربعین باقی مانده است، انتظار می رود اطلاع رسانی سازمان هواپیمایی کشوری به عنوان متولی صنعت هوانوردی درباره جزئیات پروازهای اربعین و نرخ بلیت، روندی معقول، شفاف و به موقع داشته باشد؛ اما برخلاف این انتظار، سازمان مذکور طی دو هفته اخیر رویکردی مبهم در قبال اعلام قیمت بلیت پروازهای اربعین در پیش گرفته و همچنین نرخ های نهایی را اعلام نکرده است.

۱۰ تیرماه امسال رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با بیان اینکه هنوز تصمیم نهایی درباره قیمت بلیت پروازهای اربعین اتخاذ نشده است، گفته بود: به محض نهایی شدن تصمیم ها، نرخ بلیت از طریق رسانه ها به اطلاع مردم خواهد رسید.

وی افزود: تلاش می کنیم با همکاری شرکت های هواپیمایی، قیمت بلیت ها تا حد امکان کاهش یابد تا امکان استفاده از پروازهای اربعین برای شمار بیشتری از زائران فراهم شود.

وی درباره قیمت بلیت پروازهای اربعین از تداوم مذاکرات با شرکت های هواپیمایی خبر داده و گفته بود: پس از نهایی شدن جمع بندی، نرخ رسمی بلیت پروازهای اربعین اعلام خواهد شد. رئیس سازمان هواپیمایی کشوری با اشاره به عوامل مؤثر بر تعیین قیمت بلیت افزود: نرخ بلیت پروازها تحت تأثیر متغیرهایی همچون نرخ ارز، قیمت سوخت و سایر هزینه های عملیاتی شرکت های هواپیمایی قرار دارد و تلاش می کنیم با تعامل و هماهنگی با ایرلاین ها، به نرخ نهایی و قابل قبول برسیم.

پیگیری های خبرنگار تسنیم حاکی از آن است که چند هفته قبل، پیشنهاد نرخ بلیت پروازهای اربعین از تهران و فرودگاه های غرب کشور و همچنین مشهد و فرودگاه های شرق کشور به سازمان هواپیمایی کشوری ارائه شده است. این پیشنهادهای قیمتی با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور و با هدف کاهش فشار هزینه ها بر زائران عتبات عالیات تدوین شده، اما با وجود ارائه این پیشنهادها، هنوز سازمان هواپیمایی کشوری دلیل مشخصی برای تأخیر در اعلام نرخ های نهایی ارائه نکرده است. واقعیت آن است که تعیین و اعلام به موقع نرخ بلیت پروازهای اربعین، یکی از مهم ترین پیش نیازهای برنامه ریزی سفر زائران عتبات عالیات محسوب می شود و تأخیر در اعلام نرخ ها می تواند بر روند فروش بلیت و برنامه ریزی مسافر متقاضیان اثرگذار باشد.

طی سال های گذشته قیمت های مصوب پروازهای اربعین حدود یک ماه پیش از روز اربعین اعلام و فرآیند فروش بلیت آغاز می شد، اما امسال ادامه رایتی های ادعایی از سوی سازمان هواپیمایی کشوری با ایرلاین ها، زائران را در بلاتکلیفی نگه داشته است.

ادامه این بلاتکلیفی قطعاً برنامه ریزی زائران برای خرید بلیت، دریافت مرخصی، رزرو محل اقامت و مدیریت هزینه های سفر را با دشواری مواجه خواهد کرد.



روزهای سوزان برای اجاره نشین ها

گزارش

دارق. اما که اگرچه نسبت به اوج تورم سال های گذشته کاهش یافته اند اما همچنان فاصله قابل توجهی با توان درآمدی خانوارها دارند.

یکی از اشتباهات رایج در تحلیل بازار اجاره، برابر دانستن کاهش نرخ تورم با کاهش قیمت هاست. واقعیت این است که کاهش تورم به معنای ارزان شدن اجاره نیست، بلکه تنها نشان می دهد سرعت افزایش قیمت ها کمتر شده است. در نتیجه مستأجری که سال گذشته با افزایش ۴۰ تا ۵۰ درصدی اجاره بها مواجه بوده، امسال نیز باید با افزایش حدود ۳۰ درصدی قرارداد خود کنار بیاید؛ افزایشی که برای بسیاری از خانوارها همچنان سنگین و خارج از توان پرداخت است.

با توجه به بررسی های میدانی خبرنگار ما، فعالان بازار معتقدند بخش قابل توجهی از موجران، نرخ های پیشنهادی خود را نه صرفاً بر اساس تورم رسمی اجاره، بلکه با توجه به تورم عمومی، رشد قیمت دارایی ها، هزینه نگهداری ملک و انتظارات تورمی تعیین می کنند. در شرایطی که هزینه تعمیرات، شارژ ساختمان، مالیات، قیمت مصالح ساختمانی و حتی نرخ ارز طی سال های اخیر رشد قابل توجهی داشته، بسیاری از مالکان تلاش می کنند بخشی از این افزایش هزینه را از طریق رشد اجاره بها جبران کنند. همین موضوع باعث شده شکاف میان توان پرداخت مستأجران و انتظار مالکان هر سال عمیق تر شود. از سوی دیگر، کاهش بازدهی برخی بازارهای سرمایه گذاری نیز موجب شده بخشی از مالکان نگاه درآمدی تری به بازار اجاره داشته باشند و برای حفظ ارزش دارایی خود، اجاره های بالاتری مطالبه کنند.

کوج اجباری مستاجران: پیامد مستقیم اجاره های سنگین
بررسی میدانی بنگاه های معاملات ملکی نشان می دهد یکی

از مهم ترین ویژگی های بازار اجاره در تابستان امسال، افزایش جابه جایی مستاجران است. البته نه به دلیل انتخاب، بلکه

از سر اجبار. بسیاری از خانوارها به دلیل ناتوانی در تمدید قرارداد با شرایط جدید، ناچار شده اند به محله های ارزان تر نقل مکان کنند. برخی نیز متراژ واحد خود را کاهش داده اند یا از مناطق مرکزی شهر به حاشیه مهاجرت کرده اند. در شهرهای بزرگ، افزایش تقاضا برای واحدهای کوچک و میان متراژ نیز مؤید همین تغییر رفتار است. این جابه جایی ها تنها یک تغییر آدرس نیست، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی متعددی از جمله افزایش هزینه رفت و آمد، تغییر محل تحصیل فرزندان، کاهش کیفیت زندگی و گسترش سکونت در مناطق کم بر خوردار را به همراه دارد.

تکمیل مسکن حمایتی: حلقه مفقوده بازار اجاره

یکی از مهم ترین عواملی که می تواند از فشار بازار اجاره بکاهد، افزایش عرضه از طریق تکمیل و تحویل پروژه های مسکن حمایتی است. با این

حال، روند اجرای این پروژه ها در دولت چهاردهم با کندی همراه بوده و بسیاری از واحدهایی که قرار بود به بازار مسکن اضافه شوند، هنوز به متقاضیان تحویل داده نشده اند. تأخیر در اجرای طرح های حمایتی، از جمله پروژه های نهضت ملی مسکن، موجب شده بخشی از متقاضیانی که می توانستند صاحب خانه شوند، همچنان در بازار اجاره باقی بمانند. در نتیجه، فشار تقاضا بر واحدهای استیجاری افزایش یافته و زمینه برای رشد بیشتر اجاره بها فراهم شده است.

در شرایطی که هرواحد مسکونی جدید می تواند بخشی از تقاضای انباشته را جذب کند، کندی در تکمیل پروژه های مسکن حمایتی عملاً اثر سیاست های خود دولت برای کنترل بازار اجاره را کاهش داده است.

سیاست هایی که نتوانست بازار را آرام کند

دولت طی سال های اخیر ابزارهایی مانند تعیین سقف افزایش اجاره بها، پرداخت تسهیلات ودیعه مسکن و وعده افزایش عرضه را در دستور کار قرار داده اما شواهد بازار نشان می دهد این سیاست ها نتوانسته اند اثر تعیین کننده ای بر رفتار بازار اجاره داشته باشند. یکی از مهم ترین چالش ها، ضعف نظارت بر اجرای سقف های تعیین شده است. در بسیاری از قراردادها، نرخ های توافق عملاً بالاتر از سقف های اعلامی تعیین می شود و مستأجر نیز به دلیل محدود بودن گزینه های جایگزین، ناچار به پذیرش شرایط مالک است. از سوی دیگر، تسهیلات ودیعه مسکن نیز به دلیل محدودیت منابع، شرایط دریافت و فاصله مبلغ وام با هزینه واقعی رهن واحدهای مسکونی، نتوانسته بخش بزرگی از متقاضیان را پوشش دهد. با این وجود بازار اجاره بیش از آنکه به بخشنامه نیاز داشته باشد، به افزایش عرضه نیاز دارد.

آینده بازار اجاره به کدام سمت می رود؟

کارشناسان معتقدند تا زمانی که متغیرهای کلان اقتصاد از جمله تورم عمومی، هزینه ساخت، نرخ ارز و سرمایه گذاری در بخش مسکن به ثبات نرسد، انتظار کاهش محسوس اجاره بها چندان واقع بینانه نیست. بازار اجاره در کوتاه مدت همچنان تحت تأثیر کمبود عرضه و فشار تقاضا قرار خواهد داشت و احتمالاً تا پایان فصل تابستان نیز بخش عمده قراردادها با افزایش نسبت به سال گذشته منعقد می شود. در چنین شرایطی، سیاست گذار اگرچه تلاش کرده با ابزارهای مقطعی از شدت التهاب بازار بکاهد اما تدریج سال های اخیر نشان داده که بدون افزایش عرضه مسکن، توسعه بازار اجاره داری حرفه ای، تسهیل سرمایه گذاری در ساخت و ساز و ایجاد ثبات در اقتصاد کلان، کنترل پایدار بازار اجاره امکان پذیر نخواهد بود.

آتیحه امروز در بازار اجاره دیده می شود، صرفاً افزایش چند ده درصدی ارقام قراردادها نیست، بلکه کاهش توان انتخاب مستاجران، افزایش جابه جایی اجباری خانوارها و عمیق تر شدن شکاف میان درآمد و هزینه تأمین مسکن است؛ شکافی که اگر دولت به فعالیت خود سرعت نبخشد، هر تابستان با شدت بیشتری خود را نشان خواهد داد.

اختلال بلند مدت تنگه هرمز، جهان را وارد فاز کودی می کند

استاد حقوق انرژی دانشگاه تهران با اشاره به جایگاه راهبردی تنگه هرمز در انتقال انرژی جهان گفت: تداوم درگیری ها و افزایش تنش ها در این منطقه می تواند به رشد قیمت انرژی، افزایش هزینه های خانوارها، کاهش تجارت جهانی و تشدید رکود تورمی در اقتصاد جهان منجر شود.

حسن مرادی، استاد حقوق انرژی دانشگاه تهران درباره پیامدهای تشدید تنش ها در منطقه و نقش تنگه هرمز در بازار جهانی انرژی اظهار کرد: تنگه هرمز از یک موقعیت سوق الجیشی و استراتژیک برخوردار است و بخش قابل توجهی از انرژی جهان از طریق این گذرگاه دریایی منتقل می شود. علاوه بر نفت، بخش مهمی از گاز مایع و حتی محصولات مرتبط با صنایع پتروشیمی و کودهای شیمیایی که نقشی حیاتی در امنیت غذایی جهان دارند نیز از این مسیر عبور می کنند. وی افزود: در صورتی که درگیری با ادامه پیدا کند و تنگه هرمز با شرایط بحرانی مواجه شود، نخستین آسیب متوجه کشورهای مصرف کننده انرژی، به ویژه کشورهای غربی خواهد بود. کشورهای تولید کننده و صادرکننده انرژی اگرچه با کاهش درآمد های صادراتی مواجه می شوند اما کشورهای که وابستگی بیشتری به واردات انرژی دارند، زیان گسترده تری متحمل خواهند شد.

مرادی با اشاره به جایگاه حقوقی تنگه هرمز تصریح کرد: حریم دریایی ایران و عمان در این منطقه بخشی از قلمرو سرزمینی دو کشور محسوب می شود و حاکمیت ملی بر آن حاکم است. از این رو همه کشورها باید به این حاکمیت احترام بگذارند. ایران سال ها از برخی حقوق قانونی خود در این منطقه صرف نظر کرده بود اما شرایط جدید ایجاب می کند که هزینه های مرتبط با نابوری و خسارت زیست محیطی ناشی از تردد کشتی ها مورد توجه قرار گیرد. این استاد حقوق انرژی دانشگاه تهران ادامه داد: همان گونه که هواپیماها برای عبور از حریم هوایی کشورها هزینه های نابوری پرداخت می کنند، دریافت هزینه های مرتبط با خدمات نابوری دریایی و جبران خسارت زیست محیطی نیز امری پذیرفته شده در حقوق بین الملل است. هدف از چنین رویکردی تأمین هزینه های حفاظت از محیط زیست و مدیریت تردد دریایی است. وی درباره پیامدهای اقتصادی تنش ها برای شهروندان کشورها گفت: نخستین اثر این وضعیت در افزایش قیمت سوخت و انرژی نمایان می شود. در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، افزایش بهای بنزین و گازوئیل فشار مستقیمی بر سبد هزینه خانوارها وارد می کند.

مواع توليد؛ گلاب‌های که بارها تکرار شد

در کنار تأکید مستمر بر ضرورت رونق تولید، یکی از پرتکرارترین محورهای بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، انتقاد از موانعی بود که بر سر راه فعالان اقتصادی و واحدهای صنعتی قرار داشت. ایشان بارها تصریح کرده بودند که بسیاری از مشکلات تولید، نه ناشی از کمبود ظرفیت‌های کشور، بلکه نتیجه تصمیم‌گیری‌های نادرست، بروکراسی پیچیده، مقررات زائد و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی است. در دیدارهای مختلف با تولیدکنندگان، کارآفرینان و مسئولان اقتصادی، ایشان از مسئولان خواسته بودند پیش از تصویب هرقانون یا دستورالعمل، آثار آن بر بخش تولید را بررسی کنند؛ چراکه به اعتقاد ایشان، گاهی یک پخشنامه یا آیین‌نامه می‌تواند بیش از تحریم‌های خارجی به تولیدکننده آسیب وارد کند. به عنوان نمونه آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی در سال ۱۴۰۰ نیز تأکید کرده بودند که مصون‌سازی اقتصاد از آسیب تحریم‌ها از طریق تقویت و رونق تولید داخلی راهبرد اساسی کشور است و تصریح کرده بودند: بنده پشت این قضیه ایستاده‌ام. بر همین اساس، نام‌گذاری سال ۱۴۰۰ با عنوان تولید؛ پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها نیز ناظر بر همین دغدغه بود؛ شاعری که مسئولیت دستگاه‌های اجرایی را از سرصف حمایت لفظی از تولید، به سمت اصلاح ساختارها و حذف موانع عملی سوق می‌داد.

نظام بانکی؛ از بنگاهداری تا تأمین مالی تولید

یکی دیگر از موضوعاتی که در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به دفعات مطرح شده، نقش نظام بانکی در رونق یا رکود تولید است. ایشان معتقد بودند بانک‌ها باید به جای حرکت به سمت فعالیت‌های سوداگرانه، بنگاه‌داری و سسرمایه‌گذاری در حوزه‌های غیرمولد، منابع خود را در اختیار واحدهای تولیدی قرار دهند. در مقاطع مختلف، از سخت‌گیری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، نرخ‌های بالای سود، طولانی بودن فرآیند دریافت وام و دشواری تأمین سرمایه در گردش به عنوان مشکلات جدی صنعت یاد شده است. به باور ایشان، تولیدکننده نباید بخش قابل توجهی از زمان و انرژی خود را صرف عبور از پیچ‌وخم‌های اداری برای دریافت منابع مالی کند. این نگاه، صرفاً به پرداخت تسهیلات محدود نمی‌شد؛ بلکه بر اصلاح جهت‌گیری نظام بانکی نیز تأکید داشت تا سرمایه‌های کشور به جای ورود به بازارهای غیرمولد، در خدمت توسعه صنایع، افزایش ظرفیت تولید و ایجاد اشتغال قرار گیرد.

خام‌فرشی؛ دغدغه‌ای فراتر از نفت

یکی از محورهای مهم و کمتر مورد توجه در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، انتقاد از خام‌فرشی در بخش‌های مختلف اقتصاد است. اگرچه این موضوع بیشتر درباره نفت و گاز مطرح شده، اما ایشان بارها آن را به بخش معدن نیز تعمیم داده و بر جلوگیری از صادرات مواد خام معدنی بدون ایجاد ارزش افزوده تأکید کرده‌اند. از نگاه ایشان، کشوری که منابع طبیعی غنی در اختیار دارد، نباید به صادرکننده مواد اولیه تبدیل شود، بلکه باید با توسعه صنایع پایین‌دستی، فرآوری مواد معدنی، تکمیل زنجیره ارزش و تولید محصولات نهایی، سهم بیشتری از ارزش افزوده را در داخل کشور حفظ کند. این رویکرد، به صنایع معدنی نیز بارها مورد فولاد، مس، آلومینیوم، پتروشیمی و صنایع معدنی نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته و توسعه صنایع تکمیلی، یکی از راهبردهای اساسی برای افزایش درآمد ملی و ایجاد اشتغال پایدار معرفی شده است.

معدن؛ ظرفیتی که نباید مغفول بماند

در سال‌های اخیر، آیت‌الله خامنه‌ای در کنار صنعت، توجه ویژه‌ای نیز به بخش معدن نشان داده‌اند. ایشان معزاه را از ثروت‌های خدادادی کشور دانسته و تأکید کرده‌اند که ایران از ظرفیت‌های نامنظیری در حوزه ذخایر معدنی برخوردار است؛ ظرفیتی که می‌تواند در صورت مدیریت صحیح، جایگاه مهمی در رشد اقتصادی ایفا کند. با این حال، ایشان بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که استخراج صرف مواد معدنی کافی نیست و باید زنجیره اکتشاف، استخراج، فرآوری، تولید و صادرات محصولات نهایی به صورت یکپارچه توسعه یابد. از این منظر، معدن نه به عنوان بخشی مستقل، بلکه حلقه‌ای از زنجیره تولید صنعتی تلقی می‌شود که می‌تواند خوراک بسیاری از صنایع بزرگ کشور را تأمین کند.

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای رهبر شهید، حل بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور از مسیر رونق تولید می‌گذرد. ایشان بارها تأکید کرده بودند که رشد پایدار اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد خانوارها، کنترل تورم، کاهش وابستگی به نفت و حتی ارتقای جایگاه بین‌المللی اقتصاد ایران، همگی در گرو تقویت تولید داخلی است



روایت رهبر شهید از مسیر اقتدار صنعتی ایران

گزارش

بررسی چهار دهه بیانات رهبر شهید نشان می‌دهد تولید همواره مهمترین محور سیاست‌های اقتصادی مورد تأکید ایشان بوده؛ راهبردی که از رونق صنعت و اشتغال تا اقتدار ملی و کاهش وابستگی را در برمی‌گیرد.

مرور بیانات و مواضع آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رهبر شهید ایران در چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که تولید در منظومه فکری ایشان صرفاً یک شاخص اقتصادی یا یک متغیر آماری نبوده، بلکه مهم‌ترین موتور محرک پیشرفت کشور، افزایش اقتدار ملی و تضمین‌کننده استقلال اقتصادی ایران تلقی شده است. از همین منظر، صنعت نیز نه تنها بخشی از اقتصاد، بلکه پيشران توسعه، اشتغال، فناوری و کاهش وابستگی به خارج به شمار آمده است. آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار کارگران در سال ۱۳۹۴، تولید را محور اصلی اقتصاد کشور دانستند و تصریح کرده بودند: حل مشکلات مجموعه اقتصادی کشور را در درون کشور باید پیدا کرد؛ ستون فقرات اقتصاد مقاومتی، تقویت تولید داخلی است.

اگرچه در مقاطع مختلف، موضوعاتی همچون فرهنگ، سیاست خارجی، علم و فناوری نیز در بیانات ایشان جایگاه ویژه‌ای داشته، اما از اواخر دهه ۱۳۸۰ به بعد، با تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، مسئله تولید و حمایت از صنایع داخلی به یکی از اصلی‌ترین محورهای سخنرانی‌ها و پیام‌های سالانه تبدیل شد؛ روندی که در نام‌گذاری سال‌های مختلف نیز به روشنی قابل مشاهده است.

تولید؛ ستون اصلی اقتصاد کشور

در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای رهبر شهید، حل بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور از مسیر رونق تولید می‌گذرد. ایشان بارها تأکید کرده بودند که رشد پایدار اقتصادی، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد خانوارها، کنترل تورم، کاهش وابستگی به نفت و حتی ارتقای جایگاه بین‌المللی اقتصاد ایران، همگی در گرو تقویت تولید داخلی است. از همین رو، در دیدارهای متعدد با کارآفرینان، صنعتگران و مسئولان اقتصادی، بر این نکته تأکید شده که نباید تولید صرفاً به عنوان یکی از بخش‌های اقتصاد دیده شود، بلکه باید آن را محور اصلی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی قرار داد.

این نگاه سبب شده که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بخش مهمی از راهبردها بر توسعه تولید، اشتغال، بهره‌وری، ارتقای توان صنعتی و کاهش وابستگی به خارج متمرکز شود.

از تولید ملی تا سرمایه‌گذاری برای تولید

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توجه آیت‌الله خامنه‌ای به بخش صنعت و تولید را می‌توان در روند نام‌گذاری سال‌ها مشاهده کرد؛ روندی که از سال ۱۳۸۸ با محوریت مسائل اقتصادی آغاز شد و در سال‌های بعد بیش از پیش بر تولید متمرکز شد. سال ۱۳۹۱ با عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام‌گذاری شد؛ شاعری که در شرایط تشدید تحریم‌ها، بیش از هر چیز بر ضرورت حفظ ظرفیت‌های صنعتی کشور و حمایت از تولیدکنندگان داخلی تأکید داشت. در ادامه، سال ۱۳۹۵ با شعار اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل، سال ۱۳۹۸ با عنوان رونق تولید، سال ۱۳۹۹ با شعار جهش تولید، سال ۱۴۰۰ با عنوان تولید؛ پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها، سال ۱۴۰۱ با شعار تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین، سال ۱۴۰۲ با عنوان مهار تورم، رشد تولید و سال ۱۴۰۳ با شعار جهش تولید با مشارکت مردم نام‌گذاری شد. این نام‌گذاری‌ها نشان می‌دهد که از نگاه ایشان، مسئله تولید یک پروژه کوتاه‌مدت نبود، بلکه راهبردی مستمر برای عبور اقتصاد ایران از مشکلات ساختاری محسوب می‌شد. در هر یک از این سال‌ها نیز محورهای متفاوتی همچون رفع موانع تولید، مشارکت مردم، توسعه فناوری، کنترل تورم و افزایش سرمایه‌گذاری در کنار تولید مورد توجه قرار گرفت.

صنعت؛ پیشران اقتدار ملی

در بسیاری از سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای، صنعت صرفاً ابزاری برای افزایش درآمد ملی معرفی نشده است. ایشان بارها تصریح کرده بودند که کشوری که از توان صنعتی بالا برخوردار باشد، در حوزه‌های سیاسی، دفاعی، علمی و حتی دیپلماسی نیز از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود. بر همین اساس، توسعه صنایع مادر، صنایع راهبردی، صنایع معدنی، فولاد، پتروشیمی، خودروسازی، ماشین‌سازی، تجهیزات پزشکی و صنایع دانش بنیان همواره مورد تأکید قرار گرفته است. ایشان در دیدارهای مختلف با تولیدکنندگان، بارها از کارخانه‌های فعال به عنوان نماد پیشرفت کشور یاد کرده و تعطیلی واحدهای تولیدی را خسارتی فراتر از یک زیان اقتصادی دانسته‌اند. زنجیر تعطیلی کارخانه‌ها علاوه بر کاهش تولید، موجب از دست رفتن اشتغال، کاهش امید اجتماعی و تضعیف سرمایه‌گذاری می‌شود.

حمایت از کالای ایرانی؛ فراتر از یک شعار

یکی از موضوعاتی که بارها در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای تکرار شده، ضرورت حمایت از کالای ایرانی است؛ موضوعی که در سال ۱۳۹۷ نیز به عنوان شعار سال انتخاب شد. در این نگاه، حمایت از تولید داخلی صرفاً به معنای افزایش تعرفه واردات یا محدود کردن ورود کالاهای

اخبار



یارانه نان قطع می‌شود؟

دولت در حال بررسی تغییر شیوه پرداخت یارانه نان است؛ طرحی که براساس آن یارانه به جای نانوائی‌ها، مستقیم به حساب مردم واریزی می‌شود. حدود دو ماه از مصوبه آزادپز شدن نانوائی‌های سنگگ و بربری در مناطق یک، دوسه تهران می‌گذرد؛ براساس این مصوبه دلیل بالا بودن هزینه‌های اجاره و اداره واحدهای نانوائی در این مناطق که ادامه فعالیت باآرد یارانه‌ای را برای بسیاری از نانوائیان دشوار کرده بود، قرار شد این دونوع نان تنها در این مناطق به صورت آزادپزی به فروش برسند. البته آزادپز شدن نانوائی‌ها پیدان معنا نیست که هرواحد صنفی بتواند به‌صورت خودسرانه از نرخ‌های یارانه‌ای خارج شود و این موضوع تنها باتصویب کارگروه آرد و نان مستقر در استانداری امکان‌پذیر است. بررسی هانشان می‌دهد قیمت نان ساده سنگگ و بربری در برخی نانوائی‌های آزادپز بین ۲۵ تا ۵۰ هزار تومان و نان‌های کنجدی و سبزیجات دار ۷۵ هزار تومان است، رقمی که برای بسیاری از خانوارها به‌ویژه خانواده‌های پرجمعیت، قابل توجه محسوب می‌شود.

غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی گفت: کندم را به قیمت ۴۸ هزار ۵۰۰ تومان از کشاورزان خریداری و با قیمت حدود هزار تومان در اختیار نانوائیان سنتی قرار می‌دهیم تا نان یارانه دار وارد سفره مردم شود، اما کالابرگ دقیق ترین شکلی است که می‌تواند این یارانه را به دست مردم برساند، بنابراین ما در دولت معتقدیم، نزدیک‌ترین راه برای اینکه این یارانه تا ریاال آخر به دست مردم برسد در انتها و در حساب مردم واریز شود. به همین دلیل تسخیر یارانه نان در دست بررسی است هنوز به قطعیت نرسیده ولی بعد از کارهای کارشناسی و در صورت تأیید شدن، روی روش با بحث خواهد شد.

آزادسازی نرخ نان اصلی برای صرفه جویی آرد و کندم

محمد جواد کریمی رئیس اتحادیه نانوائیان سنتی تهران گفت: تغییر نظام پرداخت یارانه نان که از قبل در دولت و مجلس روی آن کار شده است که براین اساس یارانه تحت عنوان کالابرگ به مردم پرداخت می‌شود. به گفته وی، پرداخت یارانه به انتهای زنجیره جلوی بسیاری از مشکلات را می‌گیرد، درنهایت دولت باید تصمیم لازم در این خصوص گرفته شود تا فضا در حوزه آرد و نان رقابتی شود که این امر منجر به ارتقای کیفیت می‌شود. کریمی ادامه داد: در حال حاضر تأمین آرد واحدهای خبازی بدون وقفه در حال انجام است و با توجه به خرید هسته‌تیم که به هیچ عنوان به کشاورزان، مشکلی در این حوزه وجود ندارد. رئیس اتحادیه نانوائان سنتی تهران با بیان اینکه آزادسازی نرخ نان منجر به صرفه جویی می‌شود، افزود: برآوردها حاکی از آن است که با آزادسازی نرخ نان ۲ تا ۲۰ میلیون تن در مصرف کندم در کشور بهینه‌شود که رقم قابل توجهی است چراکه دولت امسال ۵۳همت یارانه باید پرداخت کند که رقم بسیار سنگینی است.

وی گفت: در ابتدای هر سال باید قیمت نان متناسب با هزینه‌های تولید باید اصلاح شود و نرخ نان برای استان تهران طی روزهای اخیر افزایش یافته است، اما امیدواریم شرایط به گونه‌ای باشد که همه ساله در ابتدای سال اصلاح شود تا ناوان قادر به پرداخت هزینه‌های تولید باشد.

عطاالله هاشمی رئیس بنیاد ملی کندم‌کاران گفت: نان در ۲ مرحله اساسی کاشت، تولید و خرید کندم تا تحویل به سیلوهاست و از این خط به بعد به دولت بستگی دارد. به گفته وی، علی‌رغم آنکه پیشنهادات خوبی در خصوص یارانه نان به دولت دادیم، اما نتوانیم نمی‌شود، حال اینکه دولت با چه شرایطی به دنبال پرداخت یارانه یا آزادسازی نان است، به کشاورزان ارتباطی ندارد. هاشمی ادامه داد: بارها هشدار داده‌ایم که با تأخیر در پرداخت مطالبات کندم‌کاران، نگران تأمین نان کشور هستیم که به هیچ عنوان به صلاح دولت نیست. رئیس بنیاد ملی کندم‌کاران با بیان اینکه کندم تولیدی در بخش خبازی و صنف و صنعت مصرف می‌شود، افزود: صنف و صنعت بارها اعلام کرده که با کشت قراردادی و خرید توافقی کندم مورد نیاز تا تأمین کند، البته دولت دیگر نباید دخالتی نداشته باشد که دولت برای تأمین ۲ میلیون تن واحدهای صنف و صنعت اجازه واردات، تولید قراردادی و فروش کندم با قیمت آزاد به بخش صنف و صنعت درآرد.

وی با تأکید بر عدم دخالت دولت در بخش آرد و کندم و تنها اعمال هدایت و نظارت گفت: قیمت کنونی هر عدد نان باکت ۲۰۰ گرمی ۵ هزار تومان است که متأسفانه هیچ نظارتی بر بخش صنف و صنعت نیست، اما با اعمال نظارت مصرف واحدهای خبازی حداکثر ۱۰ میلیون تن است.



عملکرد رو به رشد بانک کردشگری در شاخص‌های مالی و درآمد‌های عملیاتی

عملکرد بانک کردشگری در سالال ۱۴۰۴ از تداوم روند رو به رشد شاخص‌های مالی و عملیاتی حکایت دارد. سود خالص بانک یا رشد ۱۱۲۰ درصدی همراه شد و درآمد‌های عملیاتی به حدود ۷۱ هزار و ۵۱۷ میلیارد تومان رسید که از آن میزان، ۶۳ هزار و ۴۷۷ میلیارد تومان از محل تسهیلات ۶ هزار و ۵۹۶ میلیارد تومان از محل درآمد‌های کارمزدی محقق شده است. همچنین درآمد‌های تسهیلاتی ۱۱۳ درصد افزایش یافت و همزمان سپرده‌های ارزان قیمت ۸۸ درصد و سپرده‌های ریالی ۵۵ درصد رشد کردند که به ترتیب رتبه نخست و دوم بانک‌های خصوصی را برای این بانک به همراه داشت. رشد حدود ۱۱۰ درصدی تسهیلات ارزی، افزایش ۱۷۵ درصدی درآمد‌های مارجیه، رشد ۷۵ درصدی مشارکت مدنی و جهش بیش از ۱۰۰۰ درصدی خرید دین نیز از بازاریابی هفدمند سید اعتباری بانک حکایت دارد. این عملکرد در کنار کسب عنوان «ستاره سودآوری» در رتبه‌بندی IMI۱۰۰ و قرار گرفتن در رتبه ۴۲ شرکت‌های برتر ایران، جایگاه بانک کردشگری را در مسیر رشد پایدار، تقویت درآمد‌های عملیاتی و افزایش توان رقابتی در شبکه بانکی کشور بیش از پیش تثبیت کرده است.

بنابر گفته کارشناسان، با وجود هشدارهای متعدد مبنی بر تسریع در پرداخت مطالبات کندم‌کاران به واسطه جلوگیری از خروج کندم از چرخه خرید تضمینی، تاکنون نتیجه‌ای در بر نداشته است

استمرار این روند می‌تواند خودکفایی کندم را به چالش بکشد. از ابتدای فصل برداشت پرداخت مطالبات کندم‌کاران با چالش‌های فراوانی روبروست که این امر موجب شده تا میزان تحویل کندم به مراکز خرید نسبت به برآوردهای اولیه ۳۰ درصد کمتر باشد چراکه کشاورزان برای پرداخت بدهی‌های خود، گذراندن امرار معاش ناچار به فروش کندم به دلال و واسطه هستند که استمرار این روند تهدید جدی برای خودکفایی کندم و تولید مناسب محصول در سال زراعی کنونی است. علی‌رغم وعده‌های مکرر مسئولان دولتمردان، تاکنون تسریع در روند پرداخت مطالبات کندم‌کاران به نتیجه‌ای نرسیده است که این امر تهدید جدی برای خودکفایی کندم و امنیت غذایی است که متأسفانه استمرار این بی‌توجهی‌ها وابستگی به واردات کندم به آن سوی مرزها را به همراه خواهد داشت که با احتساب هزینه‌ها، قیمت کندم خارجی به مراتب بالاتر از تولید داخل خواهد بود.

اخیراً مجید آتجنفی معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی بر ضرورت تسریع در پرداخت مطالبات کندم‌کاران تأکید کرد و گفت: پرداخت به موقع بهای کندم خریداری‌شده، مهم‌ترین اقدام برای حمایت از تولید داخلی و حفظ امنیت غذایی کشور است و هرگونه تأخیر در این زمینه می‌تواند روند تحویل کندم به مراکز خرید تضمینی را با چالش مواجه کند. وی افزود: براساس قانون، مطالبات کندم‌کاران باید حداکثر در مدت ۴۸ ساعت پرداخت شود. تأخیر در پرداخت‌ها موجب شده بخشی از کندم‌کاران در تحویل محصول خود به مراکز خرید تضمینی تعلل کنند. آتجنفی ادامه داد: این موضوع می‌تواند کشور را ناگزیر به واردات کندم کند، در حالی که با پرداخت به‌موقع مطالبات، می‌توان از تولید داخلی به بهترین شکل حمایت کرد. معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی گفت: در برخی کشورهای همسایه، قیمت خرید کندم تا دو برابر قیمت پرداختی در ایران است، بنابراین ضروری است سازمان برنامه و بودجه کشور منابع لازم را به گونه‌ای مدیریت کند که بهای کندم تحویلی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کشاورزان پرداخت شود. در غیراین صورت، این احتمال وجود دارد که بخشی از کندم از چرخه خرید تضمینی خارج شده و به مصارف دیگر ازجمله خوراک دام اختصاص یابد.

قدرت غذا و امنیت غذایی وابسته به کندم است

پیمان عالمی رئیس اتاق اصناف کشاورزی گفت: پرداخت وجوه مطالبات کندم‌کاران از کندم‌های تحویل داده شده به سیلوهای دولت، شرایط بسیار نامناسبی داریم به طوری که به‌رغم گذشت ۳ ماه از تحویل کندم، بخشی از کندم‌کاران ۴۰ درصد وجوه دریافت کردند و بخش عمده‌ای از آنها وجوهی دریافت نکردند که این امر موجب شده بخشی از کندم‌های تولیدی در انبارها و مزارع مانده باشند.

به گفته وی، کشاورزان خرده‌پا ناگزیر به فروش کندم خارج از چرخه خرید تضمینی به جهت تأمین نقدینگی مورد نیاز شدند و به‌رغم آنکه اسال پیش‌بینی‌هایی در خودکفایی بود، اما محقق نخواهد شد.



عالمی ادامه داد: اسال هرچقدر نیاز به واردات کندم از آن سوی مرزها داشته باشیم، تنها این امر ناشی از سوء مدیریت برنامه و بودجه و تأخیر در پرداخت مطالبات کندم‌کاران است چراکه به واسطه شرایط مساعد تولید باید به مرز خودکفایی می‌رسیدیم به‌رغم فشارهای مکرر، اما هنوز بدهی کشاورزان پرداخت نشده است. رئیس اتاق اصناف کشاورزی گفت: بر اساس برآوردهای صورت گرفته میزان خرید کندم با پیش‌بینی‌ها ۳۰ درصد کمتر است و علت اصلی این موضوع تبعیض عدم پرداخت مطالبات کندم‌کاران است که به‌رغم پیگیری‌های مکرر علت تأخیر در پرداخت مطالبات سوء مدیریت و نگاه نادرست به بحث امنیت غذایی است چراکه کندم برای کشورها کالا نیست، بلکه قدرت غذا، سلاح نظامی و امنیت غذایی است که متأسفانه به علت بی‌توجهی مسئولان سازمان برنامه و بودجه به واردات کندم وابسته خواهیم بود.

تسریع در پرداخت مطالبات کندم‌کاران شرط اصلی رسیدن به خودکفایی

عطاالله هاشمی رئیس بنیاد ملی کندم‌کاران گفت: با استمرار روند پرداخت‌ها میزان خرید تضمینی کندم مشابه سال قبل خواهد بود، درحالی که میزان تولید به مراتب بهتر از سال گذشته است و این موضوع منجر به بی‌اعتمادی کشاورزان شده است. به گفته وی، براساس برآوردهای صورت گرفته بخشی از کندم تولیدی از چرخه تولید خارج شده است به طوری که بخشی از آن جایگزین خوراک دام و طیور شده یا به صورت قاچاق از مرزها خارج شده است. هاشمی ادامه داد: علی‌رغم شرایط مساعد تولید نگران هستیم که مجدد واردکننده شوم که این موضوع از لحاظ شرایط ارزی، خرید و حمل با مشکلاتی روبروست



زنگ خطر در قلب فناوری بانک‌ها

ابهام در واگذاری پروژه‌های بانکی، زنگ خطر تعارض منافع و نشت اطلاعات را به صدا درآورده است. هم‌زمان با تغییرات مدیریتی در شبکه بانکی، پرسش‌هایی درباره نحوه واگذاری پروژه‌های راهبردی فناوری اطلاعات، جابه جایی مدیران و متخصصان میان بخش دولتی و شرکت‌های خصوصی و سازوکارهای پیشگیری از تعارض منافع مطرح شده است؛ پرسش‌هایی که به دلیل ارتباط مستقیم با امنیت اطلاعات و پایداری خدمات بانکی، نمی‌توان آنها را صرفاً اختلافاتی درون سازمانی دانست.

سامانه بانکداری متمرکز، تنها یک نرم‌افزار برای ثبت و پردازش عملیات روزمره نیست؛ این سامانه در عمل قلب تپنده یک بانک به شمار می‌رود و بخش مهمی از اطلاعات مشتریان، تراکنش‌ها، حساب‌ها و فرآیندهای عملیاتی را در خود جای می‌دهد. از همین رو، انتخاب پیمانکار، نحوه دسترسی شرکت‌های مجری و چگونگی نظارت بر نیروهای انسانی فعال در این حوزه، باید تابع سخت‌گیرانه‌ترین ضوابط فنی، امنیتی و نظارتی باشد.

در سال‌های اخیر، برخی ابهام‌ها درباره انتقال پروژه‌های مهم بانکی از مجموعه‌های وابسته به نهادهای عمومی به یک شرکت بزرگ خصوصی فعال در حوزه فناوری مطرح شده است. در کنار این موضوع، رفت‌وآمد تعدادی از مدیران و کارشناسان میان جایگاه‌های تصمیم‌گیری در بانک‌ها و شرکت‌های پیمانکار نیز حساسیت‌هایی را به وجود آورده است.

البته جابه‌جایی مدیران میان بخش دولتی و خصوصی، به‌خودی‌خود نشانه وقوع تخلف نیست و استفاده از تجربه متخصصان صنعت بانکی می‌تواند به ارتقای خدمات کمک کند. با این حال، اگر مدیری در جایگاه تصمیم‌گیری، ارزیابی یا نظارت بر شرکتی قرار گیرد که پیش‌تر با آن همکاری داشته یا پس از پایان مسئولیت به آن مجموعه بپیوندد، احتمال شکل‌گیری تعارض منافع افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، نبود قواعد شفاف می‌تواند حتی تصمیم‌های صحیح را نیز در معرض تردید افکار عمومی قرار دهد.

بخشی دیگر از نگرانی‌ها به جابه‌جایی نیروهای متخصص میان شرکت‌های زیرساختی، بانک‌های بزرگ و مجموعه‌های خصوصی مربوط است. گردش نیروی انسانی در صنعت فناوری امری طبیعی است، اما در حوزه بانکداری، این جابه‌جایی‌ها باید با ملاحظات ویژه‌ای همراه باشد؛ ریزش متخصصان این بخش ممکن است به معماری سامانه‌ها، نقاط حساس شبکه، فرآیندهای امنیتی و اطلاعات عملیاتی دسترسی داشته باشند.

در چنین فضایی، صرف امضای تعهدنامه محرمانگی کافی نیست. بانک‌ها و نهادهای مسئول باید مشخص کنند هنگام خروج یا انتقال نیروهای کلیدی، دسترسی‌های آنها چگونه مسدود می‌شود، چه نظارتی بر انتقال دانش و اسناد وجود دارد و مسئولیت شرکت مقصد در حفاظت از اطلاعات محرمانه چیست. هم‌زمان، مطالبی نیز درباره احتمال دسترسی یکی از شرکت‌های بزرگ خصوصی به اطلاعات فنی سامانه‌های بانکی منتشر شده است. تاکنون سند رسمی یا گزارش قابل استنادی که وقوع تخلف مشخصی را اثبات کند، در دسترس افکار عمومی قرار نگرفته و مراجع مسئول نیز نتیجه بررسی جامعی درباره این ادعاها اعلام نکرده‌اند؛ بنابراین، نسبت دادن تخلف به اشخاص یا شرکت‌ها بدون رسیدگی رسمی و ارائه مستندات، قابل اتکا نیست.

با وجود این، نبود تأیید رسمی به معنای بی‌نیازی از بررسی نیست. در حوزه زیرساخت‌های حیاتی، نهادهای نظارتی باید حتی احتمال انتقال غیرمجاز اطلاعات، دسترسی خارج از قرارداد یا نفوذ منافع تجاری در فرآیندهای تصمیم‌گیری را با حساسیت دنبال کنند. هزینه بی‌توجهی به چنین هشدارهایی ممکن است پس از وقوع یک اختلال یا حادثه امنیتی، بسیار بیشتر از هزینه شفاف‌سازی پیشگیرانه باشد.

ابهام اصلی آن است که پروژه‌های راهبردی فناوری اطلاعات بانک‌های دولتی بر چه اساسی واگذار می‌شوند. آیا انتخاب مجریان از طریق فرآیندهای شفاف، رقابتی و قابل ارزیابی انجام می‌شود؟ سوابق حرفه‌ای مدیران تصمیم‌گیر چگونه بررسی می‌شود؟ آیا افراد دارای ارتباط شغلی پیشین با شرکت‌های متقاضی، از فرآیند ارزیابی و تصویب قرارداد کنار گذاشته می‌شوند؟ همچنین چه نهادی بر سطح دسترسی پیمانکاران به داده‌ها و سامانه‌های حیاتی نظارت می‌کند؟ کارشناسان این حوزه معتقدند بانک‌ها باید پیش از واگذاری پروژه‌های حساس، علاوه بر ارزیابی فنی و مالی، پیوست تعارض منافع و پیوست امنیت اطلاعات نیز تهیه کنند. در این چارچوب، همه ارتباطات شغلی و اقتصادی مدیران مؤثر در قرارداد باید اعلام شود و دسترسی پیمانکاران نیز صرفاً در محدوده ضرورت فنی، برای مدت مشخص و به‌صورت ثبت‌شده و قابل حسابرسی باشد. استفاده از شرکت‌های خصوصی توانمند نه تنها تهدید محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش رقابت، کاهش هزینه‌ها و ارتقای کیفیت خدمات بانکی کمک کند. مسئله اصلی، خصوصی یا دولتی بودن مجری نیست؛ مسئله، نبود شفافیت در انتخاب پیمانکار، تمرکز بیش از اندازه اطلاعات در اختیار یک مجموعه و ضعف احتمالی سازوکارهای نظارتی است.

اکنون انتظار می‌رود بانک مرکزی، بانک‌های درگیر و نهادهای ناظر، بدون ورود به حاشیه‌های غیرمستند، درباره فرآیند واگذاری پروژه‌های راهبردی، ضوابط جابه‌جایی مدیران، سطح دسترسی شرکت‌های پیمانکار و سازوکارهای جلوگیری از تعارض منافع توضیح دهند. انتشار پاسخ‌های روشن می‌تواند از شکل‌گیری گمراه‌زنی جلوگیری کند و اعتماد عمومی به امنیت خدمات بانکی را افزایش دهد. دروازه زیرساخت بانکی کشور نباید با روابط غیرشفاف، تصمیم‌های غیررقابتی یا نظارت حداقلی گشوده شود. شاید همه نگرانی‌های مطرح‌شده در نهایت بی‌اساس باشد، اما در حوزه‌ای که با دارایی و اطلاعات میلیون‌ها شهروند سروکار دارد، سکوت و ابهام خود می‌تواند به اندازه یک رخنه امنیتی، اعتماد عمومی را آسیب‌پذیر کند. حق پاسخ‌گویی برای تمامی بانک‌ها، شرکت‌ها و نهادهای مرتبط نیز محفوظ است.



انتقام از جنایتکاران؛ ضرورتی راهبردی در مسیر تغییر معادلات

گزارش

تاکید رهبر معظم انقلاب بر انتقام از جنایتکاران، فراتر از یک واکنش مقطعی، ضرورتی راهبردی مبتنی بر اصل بازدارندگی برای بازتعریف نظم امنیتی منطقه است. رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای در پیامی ضمن قدرانی صمیمانه از حضور ده‌ها میلیون مردم ایران و عراق در مراسم تشییع «آقای شهید ایران»، به صورت ویژه بر یک اصل راهبردی تاکید کردند: مسئله «انتقام». ایشان در فرازی از پیام خود خطاب به امام شهید (ره) بیان کردند: «عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما و همه شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم. این انتقام، خواست ملت ما است و به‌طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل‌شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را خود به‌گور خواهند برد. آن‌ها باید بداند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر مسئولان نیست. ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و بزودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا هریک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد».

تاکید بر مسئله انتقام، نباید یک واکنش عاطفی در قبال شهادت قائد شهید و دیگر قلمداد شود، بلکه لازم است از منظر یک راهبرد دفاعی به آن پرداخته شود؛ راهبردی که به عنوان یک ضرورت حیاتی برای حفظ بازدارندگی و تغییر معادلات منطقه‌ای مطرح می‌شود.

نظریه بازدارندگی که یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی به شمار می‌رود، براین اصل استوار است که یک طرف با استفاده از مجموعه‌ای از تهدیدها و نمایش قدرت، طرف مقابل را از انجام اقدامی نامطلوب و هزینه‌زا منصرف می‌کند. بر این اساس لورنس فریدمن استاد برجسته مطالعات جنگ در کالج کینگز لندن معتقد است «بازدارندگی عبارت است از متقاعد ساختن حریف نسبت به اینکه هزینه‌ها و یا خطرات خط مشی احتمالی او از منافع آن بیشتر است». اندیشمندان این حوزه معتقدند بازدارندگی زمانی بیشترین احتمال موفقیت را دارد که تهدید به وضوح بیان شده و اراده قاطع برای اجرای آن به نمایش گذاشته شود، به گونه‌ای که دشمن فقط مجبور به انتخاب یک گزینه باشد.

تاکید صریح و روشن رهبر معظم انقلاب بر ضرورت انتقام قاطع از جنایتکارانی همچون ترامپ و نتانیاهو که به عنوان آمران و عاملان اصلی شهادت قائد شهید (ره) و دیگر شهدا شناخته می‌شوند، دقیقاً بر همین اصل از بازدارندگی استوار است. از منظر تاریخی و تجربی نیز محور مقاومت در سال‌های اخیر شاهد یک روند فزاینده از ترورها و جنایت‌های رژیم صهیونی و آمریکا بوده است که نتیجه آن شهادت بزرگانی مانند حاج قاسم سلیمانی، اسماعیل هنیه، سید حسن نصرالله، سید هاشم صفی‌الدین و شماری از فرماندهان مقاومت در فلسطین، لبنان، یمن، عراق، سوریه و ایران بوده است که اخیراً نیز این روند به شهادت قائد شهید حضرت امام خامنه‌ای (ره) و بارانشان انجامید. این جنایات که در سایه حمایت‌های همه جانبه نظام سلطه و توسط عوامل



قوانین وجود دارد. اما اجرای کامل آنها محقق نشده است

این حسابدار رسمی با اشاره به ظرفیت‌های قانونی موجود اظهار کرد: نبود استقرار کامل حسابرسی عملکرد را نمی‌توان ناشی از فقدان مبای قانونی دانست. اصل پنج‌وجهی پنج قانون اساسی و همچنین ظرفیت‌های پیش‌بینی‌شده در قوانین مرتبط با دیوان محاسبات، بر نظارت بر مصرف صحیح منابع عمومی تاکید دارند. وی افزود: علاوه بر این، در قوانین برنامه‌های توسعه نیز طی سال‌های گذشته موضوعاتی مانند بودجه‌ریزی عملیاتی، ارتقای بهره‌وری، افزایش شفافیت و انضباط مالی بارها مورد توجه قرار گرفته است که نشان می‌دهد قانون‌گذار از سال‌ها پیش مسیر حرکت از نظارت شکلی به سمت نظارت نتیجه‌محور را تسریع کرده است. سنجری تصریح کرد: با وجود این، میان ظرفیت‌های قانونی و اجرای عملی آنها فاصله قابل توجهی وجود دارد و مسئله امروز بیش از آنکه کمبود قانون باشد، نبود سازوکارهای اجرایی مؤثر برای استقرار کامل حسابرسی عملکرد در شرکت‌های دولتی است.

ناکارآمدی همیشہ به تخلف مالی همراه نیست

وی با بیان اینکه ناکارآمدی الزام‌دار قالب تخلف آشکار یا فساد مالی ظاهر نمی‌شود، گفت: گاهی همه اسناد مالی منظم هستند و همه مراحل

غلطی کردند، بایستی انتقام پس بدهند؛ هم‌آمر، هم قاتل بداندند که در هر زمان ممکن، هروقت ممکن شد- ما دنبال وقت ممکن هستیم- باید انتقامشان را پس بدهند» (۹۹/۹/۲۶). این بیانات امام شهید (ره) به روشنی بر اهمیت انتقام به عنوان یک اصل راهبردی برای بازدارندگی تاکید می‌کند. بر این اساس در نظام محاسباتی مسئولان امر، نباید اهداف بلندمدت مانند آزادی قدس و خروج آمریکا از منطقه، با مسئله انتقام از جنایتکاران به عنوان یک پرونده واحد قلمداد شود.

عملیات‌های تروریستی، دشمن را به این باور رسانده که می‌تواند با ترور، ستون‌های جبهه مقاومت را بدون تحمل هزینه‌های متقابل قطع کند، تا جایی که با تابو شکنی، اقدام به شهادت رهبر رسمی یک کشور کرده است. تاکید رهبر معظم انقلاب بر انتقام، در حقیقت اعلان پایان این تابو شکنی و بالعکس تلاش برای شکستن تابوی امنیت راهبردی دشمن است. در حقیقت این پیام به روشنی به دشمن می‌گوید که امنیت سران آن‌ها دیگر خطر قرمز محسوب نمی‌شود و نه تنها هر اقدام آینده‌ان‌ها با پاسخ متناسبی از سوی ایران مواجه خواهد شد، بلکه هم‌اکنون نیز ایران در صدد تلاش برای پاسخ به جنایات گذشته است. این موضع قاطع همراه با پشتوانه اجرایی نیروهای مسلح که تاکنون پیروز میدان بوده‌اند، یقیناً باعث تغییر معادله بازدارندگی خواهد شد. بنابراین، انتقام نه یک عمل غیر اولویت‌دار و عاطفی، بلکه یک پاسخ راهبردی و یک ضرورت حیاتی برای بازدارندگی در برابر موج جدیدی از جسارت دشمن است.

تاکید بر انتقام از ترامپ، نتانیاهو و دیگر جنایتکاران به معنای تشدید چرخه تنش‌ها نیست، بلکه از زاویه دیگر به معنای تغییر معادلات منطقه‌ای و توقف چرخه تنش است. جبهه مقاومت با اتخاذ رویکردی فعال، به دنبال خاتمه دادن به امنیت فرضی است که سال‌هاست سران استیکار از آن برخوردار بوده و بدون هیچ واهمه‌ای به ترور شخصیت‌های برجسته سیاسی و نظامی می‌پردازند. عملیات‌های تنبیهی که در چارچوب انتقام خون شهدا تعریف می‌شود، می‌تواند معادلات نامتوازن را برهم زند و بالعکس معادله جدیدی را به دشمن تحمیل کند که در آن، هرگونه تعرض به مقامات ایران و جبهه مقاومت، با پاسخی سخت و غیرقابل پیش‌بینی مواجه خواهد شد.

البته از آنجایی که مسئله انتقام به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «خواست ملت ما» است، نه تنها موجب بازدارندگی بلکه ابزاری برای شقای قلوب مؤمنان و مرهمی بر زخم قلب‌های آنان نیز است. موضوعی که در قرآن کریم (۱۴ توبه) نیز مورد اشاره قرار گرفته و در نهایت این امر موجب تقویت عزت و انسجام ملی خواهد شد.

موضوع انتقام از دشمن که مستند به مبانی دینی هم است، از برخوردار است که در پیام حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای تحقق آن توسط آحاد آزادگان، بنابر این الهی تلقی شده است. بنابراین ضروری است مسیر اجرای این مأموریت الهی بدون افراط و تفریط و در چارچوب تدبیر تسهیل گردد. انتقام مبتنی بر محاسبات دقیق می‌تواند زمینه‌ساز رفتار «نقض و نصرت قطعی» مورد اشاره رهبر معظم انقلاب باشد که دشمن را بر سر یک دوراهی تاریخی قرار خواهد داد: یا عقب‌نشینی مفتضحانه و یا تقابلی تهاجمی که هزینه آن نابودی خودشان خواهد بود.

اندیشمندان معتقدند

بازدارندگی زمانی بیشترین احتمال موفقیت را دارد که تهدید به وضوح بیان شده و اراده قاطع برای اجرای آن به نمایش گذاشته شود، به گونه‌ای که دشمن فقط مجبور به انتخاب یک گزینه باشد

عمدتاً بر کنترل اسناد، فرآیندها و انطباق‌های شکلی استوار است و به همین دلیل، ارزیابی عملکرد واقعی شرکت‌های دولتی و میزان تحقق اهداف کمتر به یک معیار تعیین‌کننده در فرآیند نظارت تبدیل شده است.

به گفته وی، نتیجه این شکاف، استمرار چرخه‌ای از ناکارآمدی است که خود را در قالب زیان‌دهی مزمن، اتلاف منابع، کاهش بهره‌وری و در نهایت شکل‌گیری بسترهای فساد نشان می‌دهد.

ضرورت گذار از نظارت بر اسناد به نظارت بر نتایج
این حسابدار رسمی با تاکید بر ضرورت اصلاح معماری نظام نظارت گفت: اگر هدف، کاهش پایدار فساد و افزایش بهره‌وری در بخش عمومی باشد، نظام نظارتی باید از تمرکز صرف بر ثبت صحیح اطلاعات و رعایت مقررات عبور کرده و ارزیابی نتایج واقعی سیاست‌ها و عملکرد مبتنی بر اسناد به حسابرسی مبتنی بر نتایج، جایگزینی کنترل شکلی با سنجش اثربخشی، استقرار نظام مستمر ارزیابی عملکرد و تقویت پاسخگویی مدیران در قبال دستاوردهای واقعی سازمان‌ها است.

شجری خاطرنشان کرد: تا زمانی که موفقیت یک شرکت دولتی تنها با رعایت تشریفات اداری و تنظیم صحیح صورت‌های مالی سنجیده شود، نمی‌توان انتظار داشت منابع عمومی به بهترین شکل ممکن به ارزش عمومی تبدیل شوند.

عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران در پایان تاکید کرد: مبارزه مؤثر با فساد، بیش از آنکه به افزایش تعداد مقررات نیاز داشته باشد، به استقرار نظامی نیازمند است که از مدیران درباره نتایج عملکردشان پاسخ بخواهد، نه صرفاً درباره صحت اسناد و رعایت تشریفات. حسابرسی عملکرد، اگر به درستی و به‌صورت فراگیر اجرا شود، می‌تواند حلقه مفقوده‌ای باشد که نظام نظارت را از کنترل هزینه‌ها به ارزیابی دستاوردها ارتقا داده و زمینه را برای حکمرانی کارآمدتر و استفاده بهینه از منابع عمومی فراهم سازد.